



۲۰۱۷/۰۵/۰۵



بصیر صباح

## تحقیق و جست و جو در ادبیات فولکلور و نقل قول های مشهور

بخش دوازدهم

### بالا تر از سیاهی رنگی نیست

عبارت بالا هنگامی بکار برده میشود که آدمی در انجام کار دشواری تهور و جسارت را به حد نهایت رسانیده باشد. البته آن تهور و جسارتی در اینجا منظور نظر است و میتواند مصداق ضرب المثل بالا واقع شود که مبتنی بر اجبار و اضطراب بوده و عامل عمل را کارد به استخوان رسیده باشد. در این گونه موارد اگر عواقب شوم متصوره را متذکر شوند و عامل را از اقدام به آن کار خطیر باز دارند جواب به ناصح مشفق این است که: "بالا تر از سیاهی رنگی نیست". و از سیاهی منظورش شکست یا مرگ است که می خواهد بگوید از آن ترس و بیم ندارد. پیداست وقتی که معلوم شود منظور از سیاهی چیست، طبعاً ریشه تاریخی مطلب به دست خواهد آمد. ریشه عبارت مثلی بالا از دو جای مایه میگیرد و دو عامل در بوجود آوردن آن مؤثر بوده است. یکی عامل فیزیکی و دیگری عامل تاریخی که البته در علت تسمیه ضرب المثل بالا با توجه به قدمت آن عامل تاریخی منظور نظر است؛ نه عامل فیزیکی که کشف علمی آن قدمت چندنی ندارد. با این وصف بی فایده نیست که عامل فیزیکی آن هم دانسته شود. عامل فیزیکی: به طوری که میدانیم نور خورشید از مجموعه الوان مختلفه ترکیب و تشکیل شده است که چون بر جسمی بتابد هر رنگی که از آن جسم تشعشع کند، جسم مزبور به همان رنگ دیده میشود. چنانچه تمام رنگهای نور خورشید از آن متصاعد شود، جسم به رنگ سفید نمایان می شود که روشنترین رنگهاست. ولی اگر هیچ رنگی از آن جسم تشعشع نکند و تمام نور خورشید را در خود نگاه دارد، در این صورت جسم به رنگ سیاه نمایان میگردد. پس ملاحظه می شود که رنگ سیاه از آن جهت که تمام رنگها را در خود جمع دارد، مافوق تمام رنگهاست و به همین سبب است که گفته اند:

"بالا تر از سیاهی رنگی نیست"

سد سکندر



هرگاه بخواهند کسی را به مقاومت در مقابل دشمن یا حوادث تشویق و تشجیع کنند از ضرب المثل بالا استفاده کرده یا به اصطلاح دیگر می گویند: مانند سد سکندر پایداری کن. باید دید این سکندر کیست و کدام سد را بنا کرده که به صورت ضرب المثل درآمده است.

در تعریف و توصیف منشأ تاریخی آب حیات در همین کتاب گفته شد که اسکندر مقدونی به روایت افسانه پردازان از ظلمات و کنار چشمه آب حیات بدون اخذ نتیجه به روشنایی رسید و جانب باختر را در پیش گرفت. در این قسمت افسانه نویسان خیال پرداز معتقدند که اسکندر ذوالقرنین در بازگشت از ظلمات به شهر سبز و آراسته ای رسید که در پای کوه بلندی واقع شده بود. بزرگان شهر به خدمت شتافتند و از خراب کاری قومی به نام یاجوج و ماجوج شکوه و زاری کردند.

و برای توضیح بیشتر گفتند که این جانواران اندام پر موی و دندان هایی چون دندان گراز دارند. گوش های شان به قدری پهن است که در موقع استراحت یکی را بستر و دیگری را روپوش می کنند! در فصل بهار گروه گروه از کوهسار فرود می آیند و خواب و آسایش را بر ما حرام می سازند.

اسکندر چون شرح ماجرا را شنید بی نهایت متأثر گردید و با گروهی از دانشمندان که در التزام بودند به گذرگاه یاجوج و ماجوج شتافت و محل تنگه بین دو کوه را که معبر اقوام وحشی بود از نزدیک واری کرد.

آنگاه فرمان داد دو دیوار از دو پهلوی کوه به ارتفاع پنجمصد ارش و پهنای یک صد ارش بنا کردند، سپس سنگ و گچ و آهن و مس و روی و گوگرد و نفت و قیر را به وسیله حرارت آتش با یکدیگر درآمیختند و میان دو دیوار را با این ماده مخلوط و ممزوج به کلی پر کردند و بدین وسیله سکنه جنوبی سد از تعرض و آسیب قوم یاجوج و ماجوج برای همیشه مصون ماندند. این بود داستان سد سکندر که به صورت ضرب المثل درآمده و در میان کلیه طبقات مردم مصطلح می باشد.

اما همانطوری که در پایان نوشته آب حیات شرح داده شد باید دانست که این داستان هم مخلوق دماغ خیال پرور افسانه نویسانی است که اسکندر را به غلط ذوالقرنین پنداشته، هر چه راجع به ذوالقرنین و یاجوج و ماجوج در قرآن کریم سوره کهف خوانده و ترجمه کرده اند از او دانسته همه را به او نسبت داده اند. در صورتی که اسکندر مقدونی در تمام مدت عمر کوتاهش سدی که شهرت پیدا کند بنا نکرد و با ملل مغلوبه هم به شهادت تأریخ مهربان و دادگر نبوده است.

اسکندر به کشور ما حمله برد و تا پنجاب هند پیش رفت. موقعی که از پنجاب باز می گشت اجل مهلتش نداد و در شهر بل درگذشت. چون در نوشته آب حیات ثابت شد که کوروش همان ذوالقرنین موصوف است، دیگر جای شک و تردیدی باقی نمی ماند که بنیانگزار این سد عظیم که در تنگه داریال واقع در کوه های قفقاز بنا شده جز کوروش بزرگ کسی دیگر نمی تواند باشد، زیرا در قرآن کریم برای بنای این سد دو صفت متمایز ذکر شد:

یکی آنکه سد را بین دو دیوار طبیعی بلند بر پای داشته اند: "تا جایی رسید که بین دو دیوار عظیم بود و در آنجا قومی یافت که زبان نمی فهمیدند".

دیگر آنکه جزء مصالح آن بیش از حد و اندازه آهن به کار رفته است: "آنقدر تخته های آهن بیاورید که با آن بتوان دو کوه را به هم برآورد".

همین دو صفت ما را به مقصود رهبری می کند که فقط سلسله جبال قفقاز دارای این مشخصات می باشد و هم اکنون نیز بقایای دیوار آهنی در این نواحی هست که مسلماً باید همان سد کوروش باشد. (به کتاب سرزمین جاوید) اجمال قضیه آنکه کوروش در حمله سوم که به منظور اصلاح اوضاع حدود ماد در شمال غرب خراسان صورت گرفته به دامن جنوبی سلسله جبال قفقاز و نزدیک رودی رسید که هنوز هم به نام رود کر یا رود کوروش موسوم است. شک نیست در این حمله با اقوام کوهستانی این منطقه روبرو شده است که احتمال دارد همان قومی باشند که مورخین یونانی به نام کوشی خوانده و داریوش نیز در کتیبه خود به کوشیاه از آنان نام می برد. همین ها هستند که به کوروش از قوم یاجوج و ماجوج که یونانیان در آن زمان آنان را به نام سیت نامیده اند، شکایت برده اند و چون تمدنی نداشتند در قرآن به "زبان نمی فهمیدند" توصیف شده اند.

اگر به نقشه جغرافیایی قفقاز نگاه کنیم، ملاحظه می شود که در مشرق قفقاز، دریای خزر راه عبور به شمال را سد می کند. در مغرب دریای سیاه مانع از عبور به طرف شمال است. در وسط نیز سلسله کوه های قفقاز مانند یک دیوار طبیعی راه بین جنوب و شمال را قطع می کند.

فقط یک راه در تنگه میان این سلسله جبال وجود دارد که امروزه آنرا به نام تنگه داریال می خوانند و در ناحیه ولادیفقاز و تفلیس واقع شده است. قبایل شمال برای هجوم به نواحی جنوب هیچ راهی جز تنگه مزبور نداشتند و از همین تنگه هجوم برده و به قتل و غارت می پرداختند.

کوروش در این تنگه سدی آهنین بنا کرد و بدین وسیله جلو مهاجمین را گرفت. چنانچه به تأریخ مراجعه کنیم، می بینیم که پس از کوروش دیگر صحبتی از هجوم و دستبرد از طریق تنگه مزبور شنیده نمی شود و در واقع کوروش بدین وسیله دروازه آسیای غربی و نواحی شمال را قفل نمود.

اتفاقاً در کتب ارامنه که بیشتر مورد اعتناست این سد را از زمان قدیم بهاک کورایی، یعنی: در بند کوروش و بعضی ها کابان کورایی، یعنی: گذرگاه کوروش خوانده اند.

چه کور قسمتی از نام کوروش است، بنا بر این به اجماع کلیه محققانی که اخیراً به تحقیق پرداخته اند کاملاً مسلم گردید که بنیانگذار سد یاجوج و ماجوج که به غلط "سد سکندر" می خوانند، کوروش بزرگ سرسلسله دودمان هخامنشی بوده است نه اسکندر مقدونی. (چنانچه راجع به ذوالقرنین و سد سکندر اطلاعات بیشتر و جامع تر مورد حاجت باشد به لغتنامه دهخدا، بخصوص کتاب کوروش کبیر تألیف دانشمند و سیاستمدار نامدار هندوستان مولانا ابوالکلام آزاد ترجمه دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی مراجعه شود)

«... ایش توویگو پادشاه آریایی قبل از اینکه به دست کوروش شکست بخورد و سلطنت را از دست بدهد یک خدمت بزرگ کرد و آن ساختن سد دربند بود برای جلوگیری از قوم مهاجم هپتال ها. ساختن سد مزبور را به کوروش نسبت میدهند و بعضی هم میگویند که آن سد را داریوش ساخت؛ ولی تردید وجود ندارد که ایش توویگو یا آستیاک ساختن سد مزبور را شروع نمود و شاید خود او موفق به اتمام آن نشد و بعد از وی کوروش آن را به اتمام رسانید و ساختن سد دربند کاری نبوده که در ظرف یک یا دو سال به اتمام برسد.

پایان قسمت دوازدهم

ادامه دارد

قسمت اول تا یازدهم این مطب را به کمک لینک های آتی مطالعه کنید"

بخش اول

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۰۱.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۱.pdf)

بخش دوم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۰۲.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۲.pdf)

قسمت سوم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۰۳.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۳.pdf)

قسمت چهارم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۰۴.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۴.pdf)

قسمت پنجم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۰۵.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۵.pdf)

قسمت ششم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۰۶.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۶.pdf)

قسمت هفتم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۰۷.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۷.pdf)

قسمت هشتم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۰۸.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۸.pdf)

قسمت نهم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۰۹.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۰۹.pdf)

قسمت دهم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۱۰.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۱۰.pdf)

قسمت یازدهم (۱)

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۱۱\\_۱.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۱۱_۱.pdf)

قسمت یازدهم (۲)

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۱۱\\_۲.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۱۱_۲.pdf)

قسمت یازدهم (۳)

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۱۱\\_۳.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۱۱_۳.pdf)

قسمت یازدهم (۴)

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah\\_b/b\\_sabah\\_tahqiq\\_wa\\_jostojo\\_dar\\_adabiyaat\\_folklor\\_۱۱\\_۴.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Sabah_b/b_sabah_tahqiq_wa_jostojo_dar_adabiyaat_folklor_۱۱_۴.pdf)

**\*\* \* \*\***